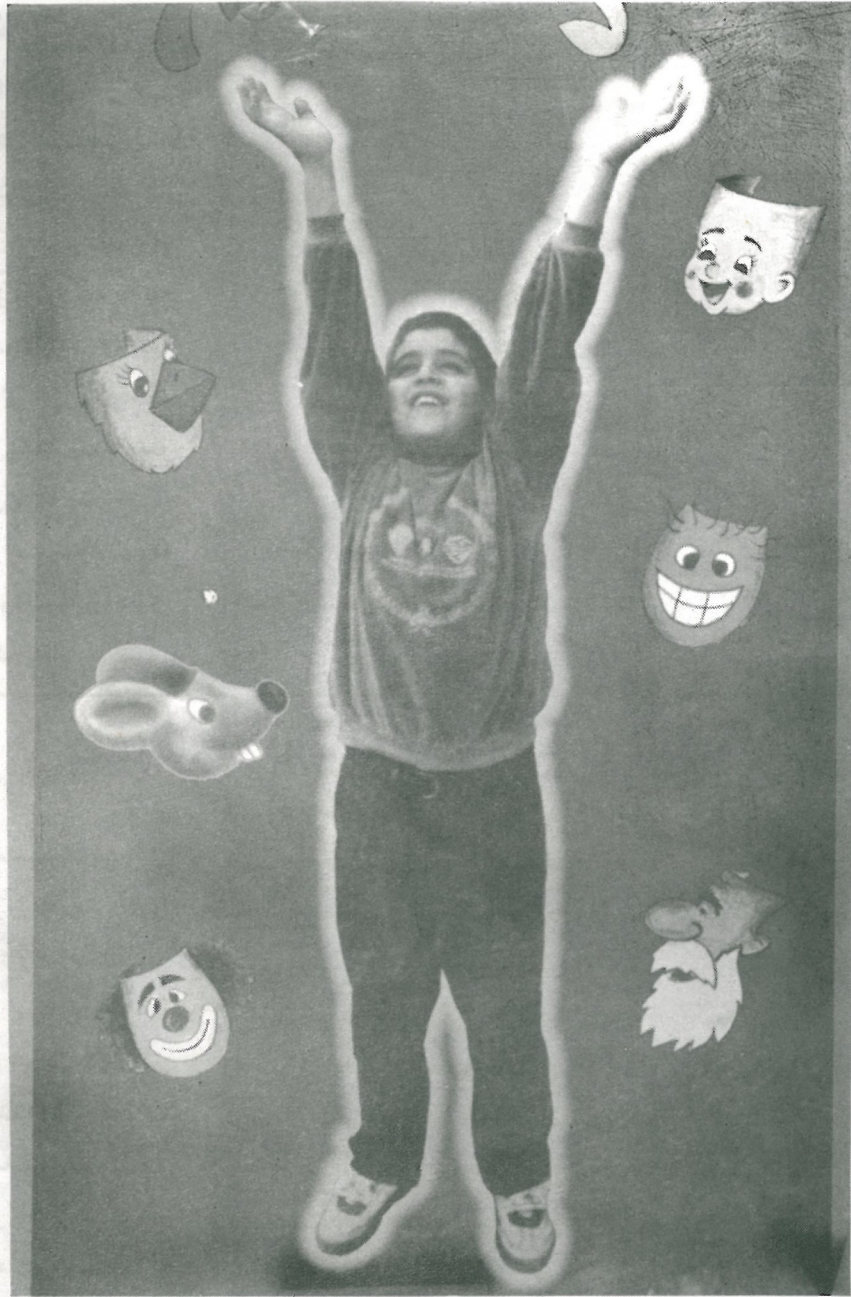


مصاحبه

پنجره

تأثیر نمایش (۲)

معرفی اجراهای روز دوم



هشتمین جشنواره سراسری تئاتر کودک و نوجوان

۱۳ - آذرماه ۱۳۷۷



تئاتر و هویت

لحظه‌ها شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد. عدم علاقه به وابستگی و داشتن حسن استقلال در زندگی و متکی بودن به خود، ناسازگاری، رفتار غیر قابل پیش بینی، ده‌ها و صدها مورد دیگر می‌تواند ساختار نمایش‌های متعددی گردد که بینندگان آن یعنی کودکان و نوجوانانی که در فراز و نشیب دورانی هستند که در جستجوی یافتن پاسخ صحیح اینگونه سوالات به سر می‌برند گمشده خود را در آنها می‌یابند درک و تشخیص خوبیها و بدیها زشتی‌ها و زیباییها دوستیها و دشمنی‌ها ذهن و اندیشه کودک و نوجوان را پالایش می‌دهد و آنان را برای طی کردن مسیر زندگی پر تلاطم در آینده آبدیده می‌کند. ■

صحنه‌های تئاتر می‌بینند قهرمانانی را می‌بینند که چگونه زنده می‌شوند و زندگی می‌کنند و ما را در غم و شادی خود شریک می‌کنند. در چنین لحظاتی است که آفرینش‌های هنر نمایش به مدد رشد و شکوفائی ذهن و اندیشه می‌آید و نادیدنی‌ها را دیدنی می‌نماید بر همین اساس امروزه تئاتر کودک و نوجوان به میلیونها کودک و نوجوان کشور هویت بخشیده است چرا که رازهای مبهم، گره‌های پیچیده آنان را در اشکالی زیبا و به یاد ماندنی به نمایش می‌گذارد، کودک و نوجوان احساس می‌کند که زندگی او دارای ویژگیهای خاصی است که مورد توجه دیگران قرار گرفته است به این لحاظ به جدی بودن خود و آینده‌اش می‌اندیشد و شخصیت و هویت او در این

سیر و سفر در دنیای کودکان و نوجوانان سفری است زیبا و پر هیجان و عبور از دروازه اندیشه‌های آنان کاریست بس مشکل، مشکل تر از آن زمانی است که بخواهند رازهای نهفته دنیای نوباوگی را به نمایش بگذارند رازهایی که برای شکافتن هر یک از آنها باید رجعتی دوباره داشت به دوران سالهای کودکی، به آن زمان که تاریکی شب و ظهور هر ستاره‌ای ساعتها ذهن و اندیشه ما را به خود وا میداشت و هر چیزی ساعتها ما را غرق تفکر می‌نمود.

در دنیای کنونی عصر ارتباطات کودکان و نوجوانان دیگر قصه‌های خود را از زبان مادر بزرگها و یا پدر بزرگها نمی‌شنوند بلکه با توسعه و همگانی شدن هنر نمایش، آن را روی

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان

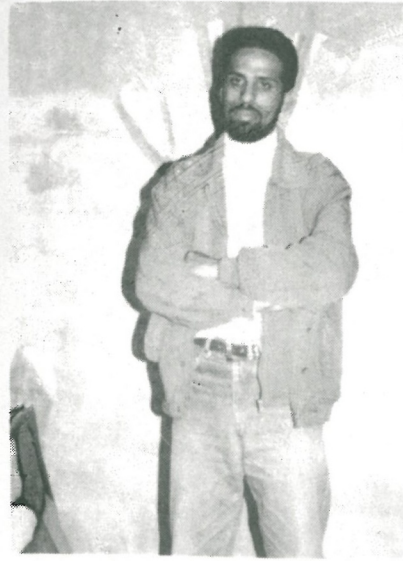
با همکاری مرکز هنرهای نمایشی



مصاحبه با کارگردان و بازیگر نمایش کمی بازی کمی درس

● ضمن معرفی خودتان مختصری از فعالیت‌های خود را در زمینه تئاتر بفرمائید.

○ عبدالحسین حساوی از بچه‌های نمایش خرمشهر هستم که از زمانی که پا به خرمشهر بعد از جنگ گذاشتم فعالیت خودم را در مدارس ابتدائی و راهنمایی شروع کردم که در کنار نمایش، فعالیت در زمینه سرود نیز داشته‌ام. کار در کنار بچه‌های مقطع سنی کودک و نوجوان خیلی برای من لذت بخش بوده است. هر ساله با شرکت در جشنواره دانش آموزی کشوری خود را محک زده‌ام.



● نمایش شما برای کودک است یا دربارهٔ کودک؟

○ نمایش بنده بیشتر برای کودک است و ذهنیات آن.

● این چندمین کاریست که در زمینهٔ کودک انجام داده‌اید؟

○ این هفتمین کار در زمینهٔ کودک است که انجام داده‌ام.

● به نظر شما این جشنواره تا چه حد می‌تواند در پیشبرد تئاتر کودک مؤثر باشد؟

○ طبیعتاً با کودک و نوجوان ارتباط بیشتری برقرار می‌کند و نیز تشکر میکنم از دست اندر کاران بر پائی این جشنواره که به فکر بر پائی چنین جشنواره‌ای برای کودکان و نوجوانان افتاده‌اند.

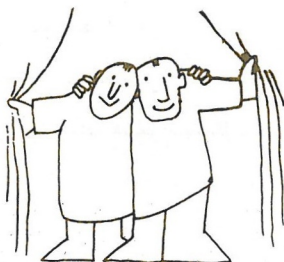
پنجره‌ای به نمایش کمی بازی کمی درس

حسین صفی

آفرین به تلاش و پشتکار و صمیمیت بچه‌های صمیمی خرمشهر، تلاش در راه آفرینش اثری هنری نمایشی جدا از ضعف و قوت آن فی نفسه ارزشمند و قابل تقدیر است. در عرصهٔ ادبیات نمایشی آنچه بیش از هر چیز در ارزش آفرینی اثر تأثیر گذار میباشد، تبحر و مهارت در پرداخت پرسوناژهای نمایش است اصولاً مجموعه نمایش متأثر از کاراکترهای آن نمایش است و این کاراکترها همه عمیق تر و قوی تر به کورهٔ پرداخت روند آبدیده تر شده و اعمال ناشی از آنها اعمالی نمایشی و قابل قبول تر خواهد شد نمایش کمی بازی کمی درس از زاویهٔ نوشتاری به لحاظ شخصیت پردازی دچار اشکالاتی است که به بررسی چند مورد از آنها خواهیم پرداخت (اگر پرداخت ما نیز دچار اشکال نگردد) قاعدتاً در نمادشناسی جانوران روباه دارای شخصیت ویژه‌ای است با روحيات و کارکردهای ویژه، که همین عامل موجب تبدیل یک کاراکتر از شخصیت به تیپ شده. آنچه همگان چه کودک و چه بزرگ در اولین برخورد با روباه در ذهنشان نقش می‌بندد زیرکی، مکاری و خبثت اوست اما روباه این نمایش به لحاظ پرداختی نامناسب چنان کودن و احمق است که نمی‌تواند در جذب شاگرد باید از فاکتورهای فریب دهنده‌ای همچون خوب نمائی بهره جوید پس با حماقت تمام به دنبال شاگردی می‌گردد که کارهای بد انجام داده و به معنای واقعی موجد بدی باشد. در حالی که به خاطر

داشتن خصلت مکاری باید خود را خوب و مثبت جلوه دهد تا در جذب دیگران موفق گردد. بز نیز در باور جامعه سمبل حیوانی دانا و آگاه است و اغلب ایفاگر نقش حکیمی داناست اما در نمایش فوق چنان بی فکر و اندیشه می‌نماید که اولین پرسوناژی است که فریب روباه را خورده و داوطلب شاگردی او می‌شود (البته داغ تر از همه مخالفت می‌کند اما در تضادی آشکار خود اولین داوطلب از آب در می‌آید) ترسیدن روباه از کلاغ نیز از مواردی است که به شخصیت پردازی در متن برمیگردد. دیگر مسئله عمده متن موضوع فالگیری روباه است این موضوع می‌تواند تم یا فکر اصلی کار قرار گرفته گره‌های زیبای نمایشی در اثر ایجاد کند. اما چنان در ابتدای کارها می‌شود که کمتر کار برد و کارکردی در نمایش ایجاد می‌نماید. براستی هدف روباه از فالگیری چه بود و به دنبال این هدف کدام عمل نمایشی از او سرزده و در نهایت کدام سود یا سوء استفاده‌ای از آن کرد (در ضمن بد نیست یاد آوری شود که فالگیری با جادوگری دو مقولهٔ کاملاً متفاوت است) سه حیوان جنگل که با خرس بر سر شاگردی روباه در جنگ بودند چگونه بود که خود قبل از خرس قصد شاگردی او را داشتند. تحول نیز یکی از عناصر اصلی درام نویسی است و این تحول در شخصیتها باید اولاً با انگیزه و علت قبلی و همچنین باید تدریجاً شکل بگیرد در حالی که خرس این نمایش با یک اتفاق سطحی متحول شده و از اعمال خود بر میگردد. از متن که

بگذریم، صداقت و تلاش صمیمانه بازیگران، استفاده از بازیگران نوجوان برای تئاتر کودک و نوجوان صحنه آرائی مناسب و بازی بسیار زیبا و روان و مسلط بازیگر خرد سال نقش پری از ویژگیها برجستهٔ اجرا می‌باشد. بخصوص بازی در نقش پری اگر چه گاهی اغزله می‌شد و توجه را از نمایش به خود جلب می‌کرد. اما استفاده از ماسکهای زمخت که موجب زحمت شدن صدای بازیگران نیز می‌شد. استفادهٔ پی در پی از موسیقی نه چندان لازم و با کیفیت، رقص نور بدون کاربرد نمایشی در ابتدای نمایش کشدار بود صحنهٔ کاشتن نهال و گل توسط سه حیوان جنگل، جدا کردن گذشته خرگوش با نور موضعی یا اصلاحاً به پلی بک بدون آن، در حالی که در مورد بز و موش اعمال نشد و این تمایز هیچ علت نمایشی استواری نیز نداشت. بیان این نکته که داستان این نمایش غول و دیو ندارد بصورتی که الزاماً میبایست هر قصه‌ای دیو و غول داشته باشد (غول و دیو موجودات افسانه هستند نه قصه) از مسائل قابل طرح در اجراست. در پایان به فرزندان غیور خرمشهر خسته نباشید گفته و نگاهمان را از پنجره به این نمایش پوزش می‌طلبیم. ■





معرفی نمایش‌های (روز دوه)



خواب تلخ شیرین
 نویسنده: حسن شایان
 کارگردان: رضا روان
 موسیقی: شهرام خوش صفت
 منشی صحنه: راحله امیری
 بازیگران: هانیه توسلی، پریسا ابراهیمی،
 پریا ابراهیمی، فاطمه آریائی
 رضا روان
 کاری از انجمن نمایش همدان
 خلاصه نمایش: شیرین دختر بچه‌ای است که
 در خواب ضعیف شدن چشمانش را تجربه
 می‌کند و در عالم خواب پس از برخورد با
 دوستان به این نتیجه می‌رسد که باید از چشمانش به خوبی مواظبت کرده...

کمی بازی کمی درس
 نویسنده: حسین ذوالفقاری
 کارگردان: عبدالحسین حساوی
 بازیگران: فوآد رابحی، فروغ الماسی،
 میر رحیمی، عیسی پور، محسن رحیمی،
 مرسه دشتستانی، مرتضی شاه کرم
 موسیقی: امیر ابراهیمی
 منشی صحنه: مینا دشتستانی
 کارگروه نمایش قاصدک از شهرستان خرمشهر
 خلاصه نمایش: بچه‌های نوجوانی که در
 کارگاه تئاتر کار می‌کنند در یکی از روزها به
 اتفاق مربی و قصه‌گوشان یک قصه را به اجرا
 در می‌آورند قصه، قصه جنگل است که روایه با



حیله‌گریش می‌خواهد حیوانات را فریب دهد ولی...

با همه پیشرفتهای خویش نتوانسته است خود
 را به آن نزدیک سازد، بلکه روز به روز از آن
 دورتر شده است، امری است حاصل شده و
 پیش پا افتاده. و چون عدالت آفاقی و عدالت
 انفسی، کمال بزرگ بشریت است، بدست
 آوردن آن نیز مشکل است، و همواره، موانع بر
 سر راه آن بسیار است، هم موانع درونی: امیال
 و خواسته‌ها... و هم موانع برونی: قدرتها و
 فسادها... چون چنین است بشر کمتر موفق
 شده است تا آن عدالت جامع را به چنگ آورد،
 و خود به آن معنا، عادل باشد.
 ادامه دارد...

عدالت، پیش از اینکه در مرحله اجتماع مطرح
 باشد باید در مرحله نفوس بشری مطرح باشد:
 هر نفسی و جانی باید عادل باشد، و عدالت را
 در ذات خود پدید آورده باشد. و ما این مرحله
 را، "عدالت انفسی" می‌نامیم. عدالت انفسی،
 هنگامی به تمام معنی تحقق خواهد یافت، که
 انسان عدالت را در همه جهان، و برای همه
 چیزها، حتی جانوران و گیاهان و دیگر مظاهر
 طبیعت بخواند، و در همه آنها مجری دارد. و
 ما این مرحله را، "عدالت آفاقی" می‌نامیم. پس
 باید همواره، برای تحقق عدالت آفاقی و انفسی
 کوشید. زیرا هنگامی که عدالت آفاقی و عدالت
 انفسی، و عدالت انفسی و عدالت آفاقی تحقق
 پذیرفت، تحقق عدالت اجتماعی (که بشریت

به بهانه فرا رسیدن نیمه شعبان

انتظار...

قسمت سوم
 برگرفته از کتاب خورشید مغرب تألیف محمد رضا
 حکیمی
 در زیر این طاق بلند، در طول تاریخ انسان،
 سخن از عدالت بسیار گفته‌اند آنچه مصلحان
 بزرگ و حقوق دانان با اخلاص گفته‌اند، همه
 سخن از عدالت اجتماعی است، یعنی: اجرای
 عدالت در میان اجتماعات بشری، و در حقوق
 اجتماعی، لیکن عدالت، واقعیت عظیم
 دیگریست، که همواره، مورد غفلت بوده است،
 مگر در تعالیم پیامبران.



تأثیر نمایش آموزشی در رشد خلاقیت و شخصیت اجتماعی کودک و نوجوان

فرح یگانه

بخش دوم

روشهای مختلف تدریس نمایش

۱- یکی از روشهای تدریس نمایش، استفاده از حرکت و میم است. این روش شامل نوعی استفاده اکسپرسیو از بدن است و سه گونه متفاوت می تواند داشته باشد. اول اینکه از بچه ها خواسته می شود که تصور کنند در محیط فیزیکی خاصی هستند و بعد به صورت میم بازی کنند. نوع دوم حرکت، میم قرار دادی است که روش دقیق و سنتی خلق تصویرها توسط حرکاتی چون تقلید باز کرده درب اتاق، بالا رفتن از دیوار و غیره می باشد. کودکان از مجموع این حرکات، نمایش خلق می کنند. نوع سوم حرکاتی هستند که باعث کشف قسمتهای مختلف بدن و فضا می شوند و تأکید بر روابط شخصی از طریق تماس جسمی دارند. در این حرکات، آگاه بودن از دیگران. آگاه بودن از جسم هدف اصلی است. از طریق شخص دیگری است که کودک شخصیت خود را می یابد. این حرکات معمولاً دو نفری یا در شکل گروه های کوچک انجام می شود. ممکن است برخی کودکان در انجام حرکات میم دچار مشکل شوند. اما به طور کلی آنها در انجام و استفاده از روشهای میم موفقند. ابتدا اغلب خشک، رسمی و خجالتی هستند اما به مرور زمان از طریق آموزش حرکات اعتماد به نفس لازم را بدست می آورند. حرکاتشان وضوح خواهند یافت و دارای جزئیات بیشتری خواهند شد. بتدریج پیشرفت کلی در مشارکت گروه، تمرکز و توانایی خلق و درک کاراکترها و موقعیتها بوجود خواهد آمد و آنها قادر خواهند شد ایده های خود را شکل و معنا ببخشند و آنها را به طور واضح و مؤثر بیان کنند و نیز کم کم دید مشکوک خود را نسبت به نمایش از دست خواهند داد. اصولاً حرکت می تواند به سه هدف دست یابد. اول اینکه به پیشرفت هماهنگی و کنترل جسمی کودک کمک کند و به آنها توانایی جسمی بیشتری برای بیان خویش بدهد. دوم اینکه آنها را از محیط فیزیکی اطرافشان بخصوص در مورد خصوصیات سرعت، فضا، شکل، اندازه و بافت آگاه تر می سازد. سوم اینکه برخی

اشکالات حرکت به کودکان کمک می کند که از طریق استفاده از تماس جسمی و تمرینهای اطمینان بخش، بیشتر با یکدیگر همکاری کنند. گاه مربی، کار را با تمرینهای عمومی آرامش بخش شروع می کند. از کودکان خواسته می شود که بر روی زمین بخوابند و آرامش یابند. این تمرین اغلب باعث آمادگی برای انجام کار می شود.

۲- نمایشی که توسط مربی راهنمایی می شود: این نوع نمایش در واقع، آموزش خلاقیت است که درگیری همه جانبه در بازی را می طلبد. مربی در حالی که داستان را نقل می کند کودکان را راهنمایی می کند که چگونه آن را بازی کنند. این فعالیت بر این پایه بنا می شود که کودکان با تصور کردن موقعیتهایی کاملاً متفاوت از تجربه های خود، درک خویش را از دنیا گسترش می دهند.

۳- نمایشی که توسط مربی از طریق ایفای نقش راهنمایی می شود: این فعالیت بر پایه تخیل نیست بلکه سوژه آن مسائل اجتماعی است، مربی خود نیز بازی می کند و روند بازی را هدایت می کند.

وقتی نمایش وسیله ای برای بوجود آوردن بحث درباره موضوع خاصی قرار می گیرد فواید خاصی نیز دارد. استفاده از بازی در دیگر موضوعات درسی بعدی تجربی به آن می دهد که صرف خواندن یا حرف زدن درباره موضوع به اندازه آن تأثیر گذار نیست. همچنین به آنها کمک می کند که از طریق واکنشهایشان در موقعیتهای مختلف جزئیات را بیابند و از معنی انسانی پنهان در آنها آگاه شوند. واقعیتها را می توان بازگو کرد اما تجربه کردن آنها، در یافتن پیچیدگی ها و مشکلات رسیدن به یک نتیجه در آنها از سودمندیهای این روش است.

۴- بداهه گویی گروهی کودک - محور: در اینجا تأکید بر موضوعی است که خود کودکان انتخاب می کنند. در نتیجه، فعالیت نمایشی بر پایه سطح درک کودکان انجام می پذیرد. از آنها خواسته می شود که موضوعی را انتخاب کنند. نمایشی بر پایه آن خلق کنند. کار گروهی برای

پیشرفت اجتماعی، لازم و با اهمیت است. تلاشهای فردی برانگیخته می شود و توسط گروه ادامه می یابند. عقاید و پیشنهادات در طول دوره رد و بدل می شود. بچه ها ایده هایی را که خود مورد آزمایش قرار داده اند مطرح می کنند و به آنها شکل نمایشی می دهند. در این فعالیت، مسئولیت رسیدن به نتیجه با خود کودکان است. نه تنها آنها میبایست ایده های خود را درباره تولید نمایش به مشورت بگذارند بلکه باید از هوش و ذکاوتشان برای تولید استفاده کنند. این امر به کودکان امکان می دهد که در سطح خودشان کار کنند و جنبه های مختلف وجود خود را کشف کنند. و راه مفیدی برای آنهاست تا ایده های خود را فرموله کنند، به بوته آزمایش بگذارند، نظم ببخشند و بیان کنند. از آنجا که ایده ها اکثراً مربوط به مردم، موقعیتهایی که انسانها در آنها قرار می گیرند یا تخیلات در مورد چیزهای مختلف (مثل روح) هستند، شکل نمایشی طریقه مفیدی برای این اکتشاف می باشد. مربی ممکن است از اینکه کودکان بارها و بارها همان مورد را مرور می کنند خسته شود اما این مرور می تواند برای آنها کشف مفهوم جدیدی باشد. پس این روش به سه دلیل مفید است:

۱- به کودک امکان آزمایش، نظم دهی و بیان ایده هایی را می دهد که شخصاً به آنها علاقه مند است

۲- به همین دلیل کودک خلق اثر هنری و بیان شخصی را تجربه می کند

۳- هر کودک در گروه برای پیشبرد کار مسئولیتی دارد، پس این روش، شکل ارزشمند آموزش اجتماعی است آنجا که کودکان باید با یکدیگر همکاری و خلاقانه کار کنند.

۵- استفاده از بازی های کودکان: گر چه بداهه گویی گروهی، کودکان را در خلق صحنه ها و قواعد نمایشی یاری می دهند، بازی های کودکانه روابط بین آنها را توسعه می دهد. بچه ها بجای اینکه آن قواعد را خلق کنند در غالب آنها با هم کار می کنند.

اصول نمایش آموزشی

۱- قوه تخیل و خلاقیت: تمام روشهای ذکر



تماشاچی نیستند. اگر تماشاچی وجود داشته باشد معنایش این است که کودک خواسته است تا با دیگران ارتباط برقرار کند. گاهی نیز از کودکان خواسته می‌شود تا در حضور دیگران بداهه‌گویی کنند. تئوریسینهای نمایش آموزشی دربارهٔ این نکته که آیا مربیان باید اجازه دهند که کودکان در حضور دیگران بازی کنند با هم اختلاف دارند. دسته‌ای معتقدند که پیشرفت کودک و بازی برای فعالیت نمایشی ضروریند. از آنجا که در نمایش، پیشرفت فردی و گروهی هر دو مورد نظر است، این فعالیت ذاتاً غیر رقابتی است اما در اجرای عمومی کودکان شدیداً برای جلب توجه رقابت می‌کنند و این تأثیر منفی بر یادگیری از طریق کشف و عمل می‌گذارد گرچه اشکال بیانی کودک مورد توجه قرار می‌گیرد. این عده هم چنین معتقدند که باید در سطح خود کودکان با آنان کار شود. و این بدان معنی است که ایده‌های کودکان و اینکه فعالیت نمایشی از طریق عمل و نه از طریق خواندن و نوشتن به آنها آموزش می‌دهد اهمیت دارند. خلاقیت و نوآوری باید مورد تشویق قرار گیرند. و روابط بین اشخاص در نمایش به دلیل تأکید بر پیشرفت از طریق بازی بسیار مهم تر انگاشته می‌شود. اما در اجرای عمومی کودک باید از سطح خود بالاتر رود تا تماشاچیان بزرگ سال را راضی سازد و نیز متذکر می‌شوند که در داخل کلاس، اجرا یا عدم اجرا اهمیت خاصی ندارد. روند بازی و کشف معنا از طریق بازی است که اهمیت دارد. اهمیت آموزشی مسئله در این است که کودک از طریق تجربه می‌آموزد. آنها معتقدند اگر کودک احساس کند که باید کارش را به نمایش بگذارد آنگاه بر نمایش گذاشتن کارش تمرکز خواهد کرد و دیگر، نمایش وسیله‌ای برای کشف نخواهد بود. در این صورت، کار کودک ممکن است شتاب زده و سطحی باشد. اجرای عمومی ممکن است برای کودکان برون‌گرا وسیله‌ای برای نمایش دادن خود و برای کودک خجالتی لطمه زننده باشد. برای مربیانی که به جای کیفیت آنچه کودکان به نمایش می‌گذارند یا چگونگی تغییر درک کودک در نتیجه این تجربه، بر اجرای عمومی تأکید می‌ورزند. مهارتهای اجرائی اهمیت دارند. آنها معتقدند که عده زیادی از کودکان می‌توانند در سطوح مختلف با یکدیگر کار کنند: برخی بازی کنند و

میگردند. این واکنشها نه تنها شخصی بلکه در قالب نمایش اصولاً واکنشهایی اجتماعی هستند.

۳- جنبه‌های اجتماعی نمایش: مهمترین عامل در تعلیم تربیت جنبهٔ اجتماعی آن است. ولی عملاً در یک کلاس ریاضی، کودکان مینویسند و گوش میدهند بدون آنکه ابراز عقیده کنند و مشارکت یا تولید ندارند. در دروس دیگر ممکن است از آنان خواسته شود مقاله‌ای بنویسند. حتی در این صورت، این مشارکت اجتماعی نیست. باید کودک ترغیب شود تا چیزی خلق کند، به دیگران گوش فرا دهد و اهمیت توجه به آراء و عقاید دیگران را دریابد. در نمایش بندرت اتفاق می‌افتد که کودکی برای مدتی زیادی مجبور به کار تک نفری باشد. معمولاً وی در ارتباط با شخص دیگری یا یک گروه یا تمام کلاس است. کودک از طریق دیگران شخصیت خویش را کشف می‌کند. نمایش از طریق افزایش حساسیت نسبت به مسئولیتهایی که در ارتباط با دیگران به کودک واگذار می‌شود به کشف صفات ذاتی کودک کمک می‌کند. هم چنین کودک از طریق نمایش گروهی، مسئولیت را به طور اساسی می‌شناسد. نمایش ذاتاً با کنش و واکنشهای اجتماعی مربوط است. این ارتباط هم در سطح ذهنی و هم در سطح واقعی انجام می‌پذیرد. بچه‌ها یاد می‌گیرند که به عنوان یک گروه چگونه با هم کار کنند. فعالیت نمایشی به وقوع نمی‌پیوندد مگر آنکه کودکان در همکاری به توافق برسند. ابراز عقیده و شنیدن عقاید، به نمایش گذاردن ایده‌های خود و همکاری برای خلق معنا جنبه‌های مختلف اجتماعی نمایش هستند. با توجه به نوع نمایش که کار میشود کودکان به یادگیری اینکه چگونه با هم در یک محیط خلاق کار کنند، مسائل را به طور خلاق حل کنند و راههای مشترک برای بیان احساسات و ایده‌هایشان بیابند. تشویق می‌شوند.

۴- حل مشکلات از طریق نمایش به طور خلاقانه: بسیاری نمایش را هم فعالیتی اجتماعی دانستند و هم آنرا وسیله‌ای برای حل مشکلات کودکان می‌دانند. زمانی که گروهی از کودکان روی یک نمایش کار می‌کنند راه حل‌های خود را به شکل نمایشی بیان میکنند. در واقع، نمایش به عنوان یک وسیله ارتباطی بین آنها و دیگران عمل می‌کند.

۵- اجراء: فعالیتهای نمایشی همیشه دارای

شده کودکان را از طریق بازی درگیر می‌سازند. پس فعالیت یعنی انجام دادن در نمایش مهم است. اساس نمایش این است که همه میتوانند بازی کنند و از تجربه‌هایشان یاد بگیرند. بازی کردن نمایش به این معنی که شخص در موقعیت متفاوتی قرار گیرد یا کاراکتر دیگری را بازی کند مستلزم تخیل است. قوهٔ تخیل اگر به اندازه کافی پیشرفت کند کودک را قادر می‌سازد تا درک خود را برای آنچه می‌بیند گسترش دهد، راه حل‌های بیشتری به فکر او خواهند رسید و کودک را قادر خواهد ساخت که موقعیت‌ها و مردم را در بیش از یک حالت ببیند. اگر از کودک خواسته شود که موقعیتهای خیالی را بازی کند وی قادر به خلق کاراکترها و موقعیتهای خواهد شد. همچنین قادر به نشان دادن واکنش سریع نسبت به موقعیتهایی که در آن قرار دارد خواهد گشت. اگر از او خواسته شود که به طور گروهی بر یک دست مایه کار کند ملزم به خلق صوری ایده‌هایشان خواهند گشت. نمایش بدون خلاقیت وجود ندارد. مفاهیم تخیل و خلاقیت، اجزای لازمهٔ همهٔ نمایشها هستند. تخیل و خلاقیت معمولاً بر فهم رفتاری انسانی یعنی احساسات و رفتار دیگران در موقعیتهای خاص دلالت دارد.

۲- بازیهای کودکان: علاوه بر این فعالیت نمایشی، شکل گسترش یافتهٔ بازی کودکان است. بازی روشی طبیعی است که کودکان از طریق آن به یادگیری می‌پردازند و نمایش در گسترش بازی مفید است زیرا که کودکان را قادر به پیشرفت خلاقانه و سازنده خواهد ساخت. در بارهٔ ارزش بازی کودکان در نمایش، بسیار گفته شده است: از جمله پیشرفت تواناییهای طبیعی کودکان در کشف دنیا و معانی آن. کودکان از طریق بازی، همراه شدن با دیگران را فرا می‌گیرند و در میابند که در ارتباط با دیگران چه جایگاهی دارند. بازی، آنان را در شرایطی مطمئن قادر به کشف و درک دنیای تخیلات می‌سازد. بازی کودکان روشی است که کودک از طریق وانمود سازی، آنچه را که در مراحل مختلف رشد به آن علاقه‌مند میشود (مثل مسئلهٔ روح) مورد بررسی قرار می‌دهد و چنین ترسها و سوء تعبیر هائی را از خود دور سازد. تفاوت واکنشهای کودکان از یکدیگر با پیشرفت آنان از طریق فعالیت مرتبط است. کودکان از طریق نمایش قادر به بیان احساسات و افکارشان



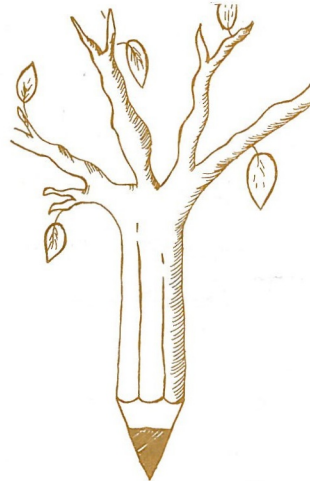
دیگران کارهای پشت صحنه را بر عهده گیرند و در انتها کاری هماهنگ را ارائه دهند. اجرای عمومی وسیله مؤثری است تا به مردم ثابت شود کودکان قادر به همکاری با یکدیگر و رسیدن به یک هدف هستند که این امر به کودک اعتماد به نفس زیادی می‌بخشد.

عده‌ای دیگر، نمایش را به عنوان یک روند خلاق برای کودک پذیرفته‌اند اما معتقدند که کودک همچنین باید کار خود را به نمایش بگذارد. در این صورت هر زمان که مربی به کودکان دست مایه می‌دهد آنها به صورت گروهی نمایش‌های خود را خلق می‌کنند. نمایش تهیه شده همان است که کودک میل به بیان آن دارد. اغلب کودکان دوست دارند که خواسته‌های خود را به دیگران بخصوص به هم کلاسیه‌شان نشان دهند. در این صورت هم محتوی و هم اجرا توسط خود کودکان تهیه شده‌اند. بنابر این تأکید بر هدف نمایش و چگونگی خلق صحنه‌های مختلف نمایش میباشد و درک و به نمایش گذاشتن کاراکترها و موقعیت‌ها اهمیت دارند. نوع دیگر نمایش که دارای تماشاچی است آن است که مربی از کودکان می‌خواهد که جنبه خاصی از رفتار (مثلاً یک مصاحبه) را نمایش داده و نسبت به آن واکنش نشان دهند. از کودکان خواسته می‌شود که در حضور دیگران کاری انجام دهند. این راهی برای شکل دادن به روشهای خاص ارتباطی است تا کودکان بتوانند برای تطابق خود با همان موقعیت در واقعیت آماده شوند.

۶- جایگاه بحث در نمایش: برخی مربیان با بحث درباره آنچه کودکان قرار است انجام دهند آغاز می‌کنند. کودکان همراه با مربی در مود خط داستانی و اینکه قرار است نقش چه کارکترهایی را ایفا کنند تصمیم می‌گیرند و سپس شروع به بازی می‌کنند. در طول کلاس، آنها پیشرفت خود را بررسی می‌کنند در انتها درباره آنچه انجام داده‌اند، واکنششان نسبت به موقعیت تصور شده و وجود موقعیت‌های مشابه در زندگی بحث می‌کنند. گاهی در این نوع کلاس‌ها جایگاه بحث پیش از عمل نمایشی می‌شود. ارزش نمایش در روند عملی انجام آن است اما در این روش کودکان بیشتر وقت را به نشستن و بحث کردن می‌گذرانند. چون در طول کلاس آنها موقف میشوند و دوباره شروع می‌کنند و درباره آنچه انجام

می‌دهند و قرار است انجام دهند می‌اندیشند، درگیری کامل با کاراکترها و موقعیت‌ها برایشان مشکل می‌شود. کاراکترها اغلب سطحی باقی می‌مانند و این روش به ندرت پیچیدگی‌های روابط انسانها را کشف می‌کند.

دو نوع بحث دیگر نیز در کلاسهای نمایش میتوانند به وقوع بپیوندند. اول آنکه جنبه خاص اجتماعی یا تاریخی از طریق نمایش مورد کاوش قرار گیرد. در این صورت معمولاً در باره مسائل مطرح شده در نمایش گفتگویی به وجود می‌آید و مربی زمان طولانی را صرف تفسیر موضوع میکند. از کودکان نیز خواسته می‌شود که بحث کنند و عقاید و درک خود را از مسائل بازگویند. این روش برای آموزش موضوع خاصی به کار می‌رود. ایرادی که به این گونه نمایش یعنی نمایش در خدمت دیگری گرفته میشود این است که شأن نمایش به عنوان یک مفهوم مستقل در نظر گرفته نمی‌شود و خلاقیت کودکان محدود به خطوط آن مبحث می‌شود. کودکان برای کشف کاراکترها و موقعیتها آزادی زیادی ندارند.



نوع دوم، آن است که بحث پس از اجرا صورت می‌گیرد. هر فرد در هر اجرا تجربیات شخصی خود را دارد و این تأثیر شخصی دارای اهمیت است. در این صورت بحث بی مورد است. برخی معتقدند که یک اجرای خوب معانی را در سطوح مختلف به هم می‌آمیزد. به این معنی که کاراکتر را به نمایش می‌گذارد، با موضوعات اجتماعی سر و کار دارد و سبلهائی را که توسط بدن، صدا و افکتهای نوری بیان میشوند نشان میدهد. بحث در مورد جنبه‌های نمایش میتواند به معنای کلی نمایش آسیب برساند، زیرا یک راه برای نشان دادن واکنش نسبت به نمایش، واکنش احساسی است که با این نوع بحث از میان می‌رود. در صورتی که بحث در مورد تصمیم‌گیری در باره پیشرفت نمایش یا آنچه که کودکان تاکنون

انجام داده‌اند صورت گیرد مربی ممکن است از آنها بخواهد تا اصل فاصله‌گذاری را رعایت کنند. هم چنین ممکن است که از آنها بخواهد درباره راههای تصمیم‌گیری صحبت کنند. این مورد میتواند روش مفیدی برای آگاه ساختن کودک از چگونگی ربط کارش با تصمیم‌گیری در اجتماع باشد. به طور کلی، این روش جایگاه والائی برای احساسات یا کشف عمیق کاراکترها قائل نیست. هم چنین اگر بحث طولانی باشد زمان کمتری برای بازی و نمایش وجود خواهد داشت. اگر بحث در مورد آنچه که رد و بدل شده و چگونگی بهتر به نمایش گذاشتن کاراکترها و موقعیتها تکیه داشته باشیم آنگاه بحث ضروری است چون بدون آن کودکان هرگز نخواهند دانست که در آینده چگونه در کارشان به پیشرفت برسند. مربی نیز از طریق بحث میتواند دریابد که بچه‌ها از چه طریق به ایده هایشان رسیده‌اند، نقطه نظرات و مشکلاتشان چه بوده است و چگونه می‌توانند پیشرفت کنند.

۷- مقدار دخالت مربی: در برخی موارد مقدار دخالت مربی باید بیشتر باشد. این مورد بستگی به این دارد که مربی خواهان تعلیم چه مهارتهائی است. دخالت زیاد می‌تواند به کودک احساس امنیت بدهد یا وسیله‌ای برای کنترل میزان دانشی که به کودک داده می‌شود قرار گیرد. بنابر این می‌تواند روش با ارزشی باشد. در این صورت تأکید بر ارزش تجربه قرار گرفتن در موقعیتها است که مربی از کودک می‌خواهد. با نمایشی کردن این موقعیتها کودکان قادر به فهم بخشهای خاصی از سوژه می‌شوند. این روش کودک را قادر می‌سازد تا از نظر تخیل سخت درگیر موضوع شود اما به وی اجازه نمی‌دهد که ایده‌های خود را کشف کند هم چنین وی قادر به درک عمیق شخصیتها نخواهد بود. اگر کودکان مسئول شکل بخشیدن به کار خود باشند فضای بیشتری برای خلاقیت وجود دارد. آنها قادر به خلق ایده و بیان آن از طریق نمایش می‌گردند.

نتیجه: نمایش یک شکل ارزشمند ارتباطی است و از آنجا که بیان در نمایش زبانی و جسمی است به کودک امکان بروز شخصیت خود را در موقعیتهای روزمره می‌دهد. نمایش فعالیتی اجتماعی است که کودکان را به همکاری با یکدیگر بر مسائلی که برایشان جالب است تشویق می‌کند. ■



آمادگی ۵۴ گروه نمایشی بودیم که حتی آن هم تمامی سرمایه‌های تئاتر کشور در این بخش نمی‌باشد. یقیناً چنانچه آموزش درست و اساسی توسط گروه‌های کارشناسی صورت پذیرد آنگاه این نیروی بسیار فعال و سازنده را می‌توان در مجرای درست تئاتر به لحاظ فنی و کاربردی قرار داد. اکنون زمان پرداختن به مسائل سطحی و پیش پا افتاده در تئاتر کودک و نوجوان نیست زیرا مخاطب ما گام‌هایش بلندتر و بالاتر از این جشنواره‌هاست، او دیگر اندیشه‌اش و مسئله‌اش مسواک زدن شب و دیر رسیدن به مدرسه و ترس از غول خیالی و اشتباه بزغاله در انتظار مادر نیست، او از این مرحله سال هاست که عبور کرده است و ما متأسفانه هنوز هم در فضای آن سالها سیر می‌کنیم. پس بیا تا.... و طرحی نو دراندازیم. به این امید که درخشش و حضور استعدادها را صرفاً در جشنواره‌ها

نبینیم. و در یک جمله: این اندیشه‌ای مردود است چنانچه به تئاتر کودک، کودکانه بیاندهشیم. ■

اندیشه‌ای فراتر از جشنواره گفتگو با علی پویان

مدرس و کارگردان تئاتر

● ارزیابی شما از جشنواره تئاتر کودک و نوجوان در مفهوم عام کلمه چیست؟
○ از آنجا که هدف جریان تئاتر است و نه صرفاً برگزاری جشنواره، لذا می‌توان جشنواره تئاتر کودک و نوجوان و یا هر جشنواره دیگری را حاصل یک جریان تئاتر مورد ارزیابی قرار داد. به زبان ساده‌تر اول ما بایستی چیزی به نام تئاتر داشته باشیم تا بتوانیم تحت آن عنوان جشنواره‌ای هم برگزار نمایم، لیکن اگر قرار باشد صرفاً به عنوان یک اتفاق تقویمی و نه یک رخداد فرهنگی به جشنواره نگاه کنیم، آنگاه همه چیز جنبه آماری و تقویمی به خود می‌گیرد. جشنواره بایستی انتهای تلاش مستمر گروه‌های تئاتری در یک مقطع زمانی باشد. جایی که می‌توان به رقابت سالم، انتقال تجربه و تجربه آموزی دست یافت، ما هنوز در آغاز راهیم، انتهای این راه انتهای تئاتر نیست بلکه صرفاً می‌تواند و بایستی که پایان یک مرحله از حرکت بی انتهای هنر نمایش باشد.

● جشنواره تئاتر کودک و نوجوان چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

○ همه ساله در بیانیه هیئت داوران، برنامه ریزیهای ستاد برگزاری، مصاحبه‌هایی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی از زبان مسئولین وعده‌های، گسترش تئاتر و حمایت از هنرمندان و تلاش به منظور دست یابی به ارزشهای والای فرهنگی و در نهایت پایه ریزی تئاتر از طریق این جشنواره می‌شود لیکن با کمال تأسف در تحقق این گفته‌ها

جشنواره موفق نیست. صادقانه بگویم گاهی احساس می‌کنم که جشنواره خود را تکرار می‌کند. لازم است طرحی نو در افکنده شود حتی جشنواره به صورتی فراگیرتر و غیر رسمی‌تر و مردمی‌تر برگزار گردد. جشنواره را از فضائی بسته و سالنی به فضاهای باز و در دسترس عام قرار دهیم، نحوه انتخاب تفاوت داشته باشد. ایجاد یک تشکیلات متمرکز و فعال برای امر تئاتر کودک و نوجوان کاملاً ضروری به نظر می‌رسد و چه بهتر که تمامی برنامه ریزی این تشکیلات ناشی از تفکر اندیشمندان امر کودک و نوجوان در مقاطع و مراحل مختلف باشد.

سیاست فعلی مرکز هنرهای نمایشی در ● برگزاری جشنواره کودک و نوجوان چیست؟

○ راجع به سیاست مرکز هنرهای نمایشی، مسئول مرکز هنرهای نمایشی بایستی تعیین سیاست نمایند. لیکن تا آنجائی که من اطلاع دارم مرکز اهمیت ویژه‌ای برای این بخش از تئاتر قائل است کما اینکه در برگزاری همین جشنواره هم نقش بسیار بالا و اساسی از هر نظر بر عهده مرکز بوده است. و افقهای روشن آینده نه صرفاً به لحاظ جشنواره بلکه به دلیل تئاتر قطعاً با ضرورت‌های فرهنگی و نیازهای قشر کودک و نوجوان خواهد بود.

● آیا می‌توان جشنواره امید همدان را نموداری از وضعیت کمی تئاتر کودک و نوجوان کشور دانست؟

○ خیر به هیچ وجه، جشنواره تئاتر کودک و نوجوان تنها قسمتی از سرمایه‌های تئاتر کودک و نوجوان کشور است و نه تمامی آن. کما اینکه در یک فراخوان ده روزه ما شاهد حضور و

خوب درک کرده و با آن زندگی کند. من هم تا جایی که توانستم با نقش خود زندگی کردم

● یک بازیگر در نمایش کودک چه نکاتی را باید مد نظر داشته باشد؟

○ مهمترین عامل، برقراری ارتباط با کودک می‌باشد که یک بازیگر باید بتواند رابطه خوبی با تماشاچی خود یعنی کودک برقرار کند.

● آیا جشنواره می‌تواند در پیشبرد تئاتر مؤثر واقع شود؟

○ بله. البته اگر طبق برنامه ریزی اصولی و صحیح برگزار شود نقش موثری میتواند در شکوفائی هنر نمایش داشته باشد.



این نمایش را به مدت ۴ ماه تمرین کردیم تا به مرحله اجرا رساندیم. کار کند که در قالب نقش خود برود و نقش را

مصاحبه با بازیگر

● قبل از هر چیز خودتان را معرفی کنید و از سوابق هنری خود بگوئید.

○ فوآد رابحی هستم. متولد خرمشهر ۱۰ سال سابقه کار تئاتر دارم. تئاتر را از سال ۱۳۶۷ زیر نظر استاد بزرگوارم آقای سید کمال الدین علوی شروع و سپس زیر نظر فرهاد یزدانفر به کار ادامه دادم.

● تا چه اندازه در نقش خود موفق بوده‌اید و این نمایش را چه مدت تمرین کرده‌اید؟

○ در مقوله بازیگری یک بازیگر موقعی میتواند نقش و شخصیت نمایشی خود را خوب

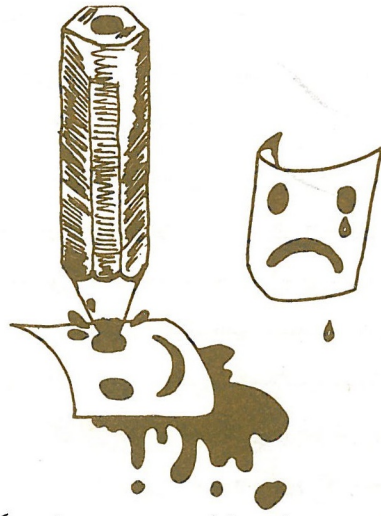


۸۰۲۸
۲۱۲

پنجره‌ای به نمایش خواب تلخ شیرین

حسین صفی

خلاقیت و تجربه‌گرایی در تئاتر و گروه‌های تئاتری از پدیده‌هایی است که این هنر سخت بدان نیازمند است و در پیشبرد و شکل‌گیری تئاتری قابل قبول نقش بسزائی را ایفا می‌کند و اصولاً یکی از شاخصه‌های مهم هنر بویژه هنر نمایش به بسته نبودن آن در مداری دائمی است و از آنجا که هنر به معنای مطلق کمال پذیر نیست و هچگاه به انتها نمی‌رسد هنرمند میتواند و بهتر است بگوئیم میبایست همواره در راه باشد و از راه نماند به مخاطب تئاتر بویژه تئاتر کودک همیشه چشم براه کارهای بدیع و تجربه‌های جدید در تئاتر است. شاید بتوان گفت تا به اینجای کار اغلب تئاتر کودک در شهرستانها تکرار بازیهای جنگلی و تئاتر کودک در همدان تکرار خود در درون خود است و چند سال است که یک قالب خاص را دنبال می‌کند. با این حساب این نوع از تئاتر خیلی کند به سمت جلو حرکت میکند چرا که کمتر به تجربه‌گرایی میل دارد در حالی که در عرصه تئاتر جهان این تجربه‌گرایی است که به تئاتر غنا می‌بخشد. بد نیست یادآوری کنیم که منظور از تجربه تکرار دیگران در خود نیست و به معنای تجربه کردن دیگران نمی‌باشد بلکه تجربه در تئاتر تعریف ویژه‌ای دارد که آنرا از زبان جیمز روز اونز مرور می‌کنیم اونز در مقدمه تئاتر تجربی تجربه را چنین تعریف میکند "تجربه گام نهادن در دنیای ناشناخته هاست" حال واقعاً بد نیست بدانیم که نمایش "خواب تلخ شیرین" کدام نیم‌گام را به این دنیا نهاده بود و سوال دیگر اینکه کودک بیچاره ما تا کی مجبور است مضامین بدیهی را تحمل کند؟ اگر گروه اجرایی خواب تلخ شیرین می‌پندارند که کودکان نمیدانند که جلوی تلویزیون نشستن برای چشم مضر است و یا آب هویج برای چشم مفید، با عرض معذرت باید بگویم که کودک امروز را به درستی نشناخته‌اند و همچنین گروه‌های دیگری که می‌پندارند کودک مسواک زدن و از چراغ قرمز رد شدن را درک نمی‌کند. مشکل دیگری که در متن خواب تلخ شیرین وجود داشت تخت بودن داستان نمایش بود و نمایش از وجود گروه باگروه‌ها که لازمه یک نوشتار دراماتیکی است



بی بهره بود و این عاملی شده بود برای کم رنگ شدن کشمکشها در نمایش. این نمایش به خوبی نتوانسته بود مخاطب خویش را درگیر کند. سوال دیگر اینکه کجای این خواب شیرین تلخ بود اتفاقاً خواب شیرین، شیرین شیرین بود چرا که شیرین تجربه تازه‌ای را در این خواب مزه می‌کرد و پس از بیداری به آگاهیها و دانشهای تازه‌ای دست یافته بود دیگر موضوع اینکه آیا ما واقعاً بدون هیچ منطق خاصی میتوانیم از ترکیب حیوان و انسان بهره‌مند شویم و یا اینکه این ترکیب می‌بایست منطقی ویژه داشته باشد؟ در اجرا استفاده چند منظوره و بهینه از آکسسوار، بازیهای روان و یکدست همه بازیگران بخصوص پریا ابراهیمی و هانیه توسلی (گر چه بازی توسلی گرایشی خاص به بازی سالهای گذشته داشت) استفاده مناسب از رنگ و روانشناسی رنگ در تئاتر کودک، بهره بردن از موسیقی جذاب (هر چند حجم موسیقی نسبت به حجم نمایش سوار بود) تصویر تابلوی بسیار زیبای مغازه عینک فروشی و تعویض صحنه‌ها در نور با کمک موسیقی از برجستگیها بودند. اما حضور پسری در بازی دختران بدون داشتن علت نمایشی (نقش خانم دکتر و حضور در کلاس دخترانه هیچ نیازی به بازیگر مرد نداشت) قاطی کردن شخصیت باغبان با رفتگر و تعویض کند صحنه‌ها از مواردی بود که جای سوال داشت. آنچه غیر قابل انکار است اینکه این نمایش تئاتر کودک بود و قابل قبول برای کودک چرا که از جذابیت‌های سمعی و بصری برای مخاطب خود بهره‌مند بود. تلاش صادقانه و پشتکار صمیمانه دوستانمان در گروه اجرایی را ارج نهاده و به خاطر این سرک کشیدن از پنجره‌مان به نمایش آنها پوزش می‌طلبیم. ■

بچه‌ها و جشنواره

- با سلام لطفاً خودتان را معرفی کنید
- بهزاد کریمی ۹ ساله و پوریا سبزیان ۸ ساله
- از نمایش خوششان آمد؟
- بله خیلی قشنگ بود
- از کدام نقش بیشتر خوششان آمد؟
- نقش خانم دکتر
- از این نمایش چه چیزی یاد گرفتید؟
- دیگر به چشمه‌ایمان دست آلوده نمالیم
- آیا سالهای قبل هم به جشنواره می‌آمدید؟
- نه بار اول است که می‌آئیم.
- لطفاً خودتان را معرفی کنید.
- مهدی حسینی
- نظرتان در مورد نمایش خواب تلخ شیرین چیست؟
- جالب بود. نسبت به دو نمایش قبلی بهتر بود.
- شما نکته خاصی در مورد این نمایش به نظرتان میرسد؟
- پخش موسیقی با آماده شدن بازیگران هماهنگی نداشتند. بهتر بود موسیقی زنده اجرا می‌شد.
- در مورد طرز بازی بازیگران چه نظری دارید؟
- در این تئاتر بازیهای بسیار خوبی اجرا شد بخصوص بازی خانمها به جای آقایان.
- لطفاً خودتان را معرفی کنید.
- با سلام. شکوفه خانی صفت هستم.
- چه نمایشی را دیدید؟
- خواب تلخ شیرین
- ارزیابی شما از این نمایش چگونه بود؟
- این نمایش می‌تواند برنامه آموزنده‌ای برای کودکان باشد.

مدیر مسئول: علیرضا اسماعیلی
سر دبیر: حمید شریف زاده
مدیر داخلی: مجید فروتن
مدیر هنری: شهرام غفوری، پرویز رضائی
نویسنده: حسین صفی
عکاس: خواهر آهنگرانی
تهیه خبر: سعید باغبانی، سعید بیات، علی ترکاشوند، مرتضی بهرامی، پوریا نژادریسی، خواهران سیاح، مهدی پور حروف جینی، سیما کامپیوتر
صفحه بندی: اسدا... یار محمدی
لیتوگرافی: محمد
چاپ: اندیشه
ناظر چاپ: علیرضا وحدتی منظر، رضا احمدی
با تشکر فراوان از مهدی گرامی